



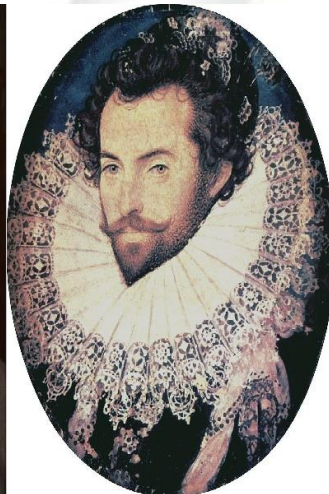
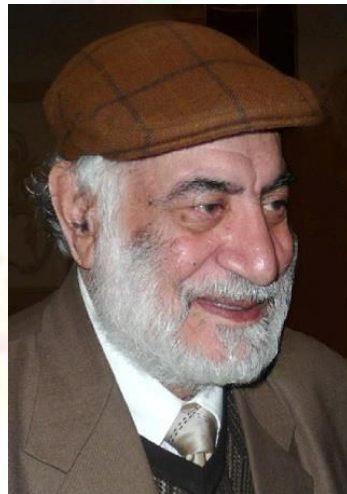
۲۰۱۷/۰۱/۱۴



م. اسحاق نگارگر

زندگانی چیست؟

ما نقش خود را در نمایشنامه زندگی خوب یا بد ادا می کنیم. امیدوارم داور سپهر ما را برای نمایش نقش های منفی برنگزیده باشد که آن نقش جز لعن و نفرین برای ما چیزی دیگر حاصل ندهد. شعر سر والتر رالی (Sir Walter Raleigh) را من در ۱۴ جنوری ۲۰۱۵ در صفحه فیس بک خود گذاشته بودم و اینک بعد از دو سال به همت مسؤلان فیس بک امروز که ۱۴ جنوری ۲۰۱۷ است در صفحه من پدیدار گردیده است که من به عنوان تجدید خاطره آنرا باز تقدیم می کنم. نگارگر برمنگهم



زندگانی چیست؟

ممکن است برای هر کس زندگانی تعریفی جداگانه داشته باشد اما در یک نکته مجبوریم با "سر والتر رالی" (۱۵۵۲-۱۶۱۸) شاعر انگلیسی موافقه نماییم که زندگانی یک نمایش است و در نمایشنامه زندگی هر کس نقشی به عهده دارد که باید آن نقش را بازی کند. این نمایش نظر به موقعیت اشخاص ممکن است نمایش وجد، نمایش تراژیدی و حتی کمیدی باشد. برخی زندگانی را آنقدر دو دسته می چسبند که گویی این نمایش برای شان ابدی است و هرگز پایانی ندارد و بنا بر این برای رسیدن به هدف هایی که در هر صورت مؤقتی و گذران است همه چیز را در بهای چند روز زندگانی میدهند و با حرص و آز این جا و آنجا دست می اندازند و ثروت گرد می اندوزند و چون گرد آورندگان ثروت و مکننت غالباً گشاده دستی ندارند و از ثروتی که گرد می کنند نه خود بهره می برند و نه به دیگران سهمی از آنچه اندوخته اند می دهند و روزی از خواب غفلت بیدار می شوند که در نمایشنامه زندگی نقش منفی

خود را بازی کرده اند و درامه به پایان می رسد و پرده های ستیژ کشیده می شود دیگرانی هم هستند که در این نمایش کاملاً منفعل می مانند و مثل اینکه جهان آفرین آنان را به عنوان مهمان دیگران فرستاده باشد از کیسه دیگران می خورند و می نوشند و یادگاری جز کاهلی و تن پروری از خویشان نمی گذارند. هنرمندان این نمایش نظر به نقش خویش تحسین یا نفرین بینندگان را جلب می کنند همین و دیگر هیچ.

هنر سر والتر رالی در شعرش همین است که مراحل مختلف زندگانی را به صحنه های جداگانه نمایش گره می زند و آن را تا پایان زندگانی ادامه میدهد. من شعر او را به تاریخ دهم اپریل ۱۹۹۵ یعنی چیزی کم بیست سال پیش ترجمه کرده بودم و اینک درست نمی دانم که وقت به سرعت می گذرد و یا وقت بر جای است و ما به سرعت می گذریم. اینک ترجمه دری شعر:

زندگی چیست؟

زندگی چیست؟ یک نمایش وجد

شادمانیست ساز وقفه اش آن

رجم مادران اتاقت خرد

بهر آرایش هنرمندان

تیزبین داور سپهر برین

نمره ها می دهد نظاره کنان

گور خود پرده ای که در آخر

صحنه را از نظر کند پنهان

همه بازیگریم تا دم مرگ

آن که نقشی نداشت مُرد آسان

What is our life ?

What is our life ? A play of passion;

Our mirth the music of division;

Our mother wombs the tiring houses be

Where we are dressed for this short comedy

Heaven the judicious sharp spectator is

That sits and marks still who doth act a miss;

Our graves that hide us from the searching sun,

Are like drawn curtains when the play is done

Thus march we playing to our latest rest,

Only we die in earnest that's no jest.

Sir Walter Raleigh ۱۵۵۲-۱۶۱۸